

مرز اقتصاددان و اقتصادخوان

پس از جلسه رئیس‌جمهوری با جمعی از افراد صاحب‌نظر، این سوال مطرح شد که مرز میان «اقتصاددان» و «اقتصادخوان» چیست؟ در این خصوص سه نگاه وجود دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، بر اساس نگاه اول، اقتصاددان واقعی علاوه بر داشتن مدرک از دانشگاه‌های معتبر، باید مبنای تحلیلی‌های خود را «علم اقتصاد» قرار دهد و اظهارنظرهای خود را بر اساس پژوهش‌های عملی مطرح کند. نگاه دوم این است که اقتصاددان، هر کسی است که درس اقتصادی خوانده و صرف داشتن مدرک اقتصادی، بر اقتصاددان بودن فرد دلالت دارد. نگاه سوم نیز پا را فراتر می‌گذارد و معتقد است، حتی برای اقتصاددان بودن، نیاز به مدرک اقتصادی نیست. بررسی کشورهای موفق نشان می‌دهد که عموماً اقتصاددانانی که منشأ تحول در اقتصاد بودند، به گروه اول تعلق داشتند. اما نگاه دوم و سوم چرا طرفدار دارد؟ مطابق بررسی‌ها، عمدتاً زمانی که سیاستمداران بخواهند طرحی را مطابق میل خود پیش ببرند، با تاییدیه گرفتن از برخی از افراد گروه دوم و سوم، ریسک اجرای سیاست خود را به این افراد منتقل می‌کنند.

در هفته‌های گذشته رئیس‌جمهور نشستی را با جمعی از صاحب‌نظران اقتصادی برگزار کرد و در آن افراد مدعو علاوه بر پاسخ به سوالات رئیس‌جمهور، به ارائه نظرات و راهکارهایشان پرداختند. البته جلسه هم‌اندیشی با اقتصاددانان، تنها مربوط به دولت جاری نیست و دولت‌های پیشین نیز بسیاری از اقدامات خود را به نظر گروه اقتصاددانان گره می‌زدند تا زمینه اجرایی آن مهیا شود. اما پس از این جلسه، سه نگاه درخصوص عیارسنجی اقتصاددانان شکل گرفت. برخی معتقدند افرادی که به عنوان اقتصاددان مطرح می‌شوند، باید علاوه بر تحصیل در زمینه اقتصاد و داشتن مدرک معتبر دانشگاهی، حرف‌ها و اظهارنظرهای خود را منطبق با علم اقتصاد ارائه کنند. به عنوان مثال اگر قرار است درخصوص مهار تورم صحبت کنند، باید مشخص شود که کدام مقاله معتبر علمی، تایید می‌کند که مثلاً می‌توان با قیمت‌گذاری دستوری و روزانه کالاها، نرخ تورم را مهار کرد. همان‌طور که اقدامات پزشکی، بر مبنای علم پزشکی صورت می‌گیرد و نه نگاه اشخاص، اقدامات اقتصادی نیز متناسب با علم اقتصاد باید صورت گیرد.

نگاه دوم اما معتقد است که هر شخصی، از هر دانشگاهی مدرک اقتصادی داشته باشد را می‌توان اقتصاددان دانست. حتی برخی در این گروه اعتقاد دارند که لزوماً برای اقتصاددان بودن، نیاز به مدرک اقتصادی نیز نیست. نگاه سوم نیز معتقد است که اقتصاددان حتی نیاز به تحصیلات آکادمیک ندارد و افراد صاحب‌نظر در حوزه اقتصاد را نیز می‌توان اقتصاددان معرفی کرد. این دو نوع نگاه آخر در تاریخ اقتصادی کشور، باعث شده که هزینه‌های زیادی در سیاستگذاری ایجاد شود که تبعات زیادی را متوجه اقتصاد کشور کرده و افراد نیز مسوولیت سیاستگذاری خود را قبول نمی‌کنند.

از این رو، بسیار اهمیت دارد که مرز میان «اقتصاددان» و «اقتصادخوان» مشخص شود. بررسی کشورهایی که به طور موفقیت آمیزی از پس اصلاحات اقتصادی برآمده اند نشان می‌دهد که محور اصلی اصلاحات بر روی دیدگاه اشخاص بود که واقعا «اقتصاددان» بودند. نکته مهم اینکه بهره‌گیری از عنوان اقتصاددان، در برخی موارد به بازی سیاستمداران تبدیل شده است و هزینه اقدامات غیرکارشناسی و سیاسی خود را به پای نظر کارشناسی «اقتصاددانان» می‌نویسند؛ اقتصاددانانی که هیچ‌گاه به طور دقیق مشخص نمی‌شوند و در نتیجه مسوولیتی متوجه‌شان نمی‌شود و در عوض امکان شانه خالی کردن را به سیاستمدار می‌دهند.

با این حال باید توجه داشت که تجربه‌های مهم در سطح جهان حاکی از آن است که اقتصاددانان می‌توانند نقش مهمی را در تحولات کلیدی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی بازی کنند. این سوال مهم در پی آن است که مشخص کند آیا هر فردی که در رشته اقتصاد تحصیل کرده و به دریافت مدرک دکترا در این رشته نائل آمده است را می‌توان اقتصاددان نامید یا اقتصاددان شاخص معینی برای شناسایی شدن دارد؟

جلسات با اقتصاددانان

روز نوزدهم آبان سال جاری، رئیس‌جمهور در محل هیات دولت با جمعی از اقتصاددانان و صاحب‌نظران اقتصادی نشستی را به منظور تبادل نظر و گفت‌وگو با این کارشناسان برگزار کرد. رئیس‌جمهور در صحبت‌هایش بر این موضوع تاکید کرد که وضعیت اقتصادی در سال‌های اخیر شرایط مناسبی را طی نکرده و باید با تصمیمات کارشناسانه، وضع موجود اقتصادی را تغییر داد. در این نشست کارشناسان مدعو علاوه بر اظهارنظر درباره وضعیت اقتصاد ایران و مباحثی چون نرخ ارز، تورم، تولید و رکود، راهکارهای خود را برای برون‌رفت از شرایط فعلی ارائه کردند. اما اظهارات کارشناسان حاضر در این جلسه واکنش‌های بسیاری را برانگیخت و مباحث بسیاری را حول نظرات این افراد شکل داد.

برخی حتی نسبت به افراد دعوت شده و اقتصاددان خطاب کردن گروهی از آنها نقد داشتند. این مباحث تا جایی پیش رفت که برخی سیاست‌های اقتصادی مخرب اجرا شده را به باورهای اقتصاددانان نسبت دادند؛ باورهایی که نماینده آنها، اظهارنظرهای انجام شده در جلسه با رئیس‌جمهور بود. این موضع در برخی از اظهارنظرها باعث شد گروهی از صاحب‌نظران اقتصادی به این موضوع پاسخ بدهند و بار دیگر این سوال تکراری اما کلیدی مطرح شود که اقتصاددان کیست و چگونه می‌توان او را از غیراقتصاددان تشخیص داد؟

تفاوت محسوس «اقتصاددان» و «اقتصادخوان»

سوال مهمی که در پی این اظهارات شکل گرفت، تعریف اقتصاددانان است. طبیعی است افرادی که با نظرات مطرح شده در جلسه رئیس‌جمهور با صاحب‌نظران اقتصادی مخالف هستند به این ادعا که «صحبت‌های مطرح شده در نشست، انعکاس نظر اقتصاددانان است» واکنش نشان بدهند. در این میان برخی به این موضوع اشاره کردند که اگر رئیس‌جمهور در استفاده از نظر اقتصاددانان جدی است می‌توانست به جای برگزاری چنین نشستی از صاحب‌نظران بخواهد راه‌حل‌ها و سیاست‌های پیشنهادی‌شان را در یک متن مشخص ارسال کنند و رئیس‌جمهور نظرات ایشان را برای آگاهی عموم منتشر کند؛ این امر موجب خواهد شد که عیار صحبت‌های مدعویین به طور جداگانه مشخص شود و اظهارات هر فرد به پای «اقتصاددانان» نوشته نشود.

واکنش‌های دیگری، تعاریف خاصی از مفهوم اقتصاددان ارائه دادند که این تعاریف خود با واکنش‌هایی مواجه شد. بدیهی است که مرز محسوسی میان اقتصادخوان و اقتصاددان وجود دارد؛ افراد ممکن است به واسطه گذراندن دوره‌های تحصیلی یا مطالعات و تجارب شخصی توانایی ارائه نظرات کارشناسی را پیدا کنند و از آنها به عنوان صاحب‌نظر اقتصادی یاد شود اما لزوماً چنین افرادی را نمی‌توان اقتصاددان نامید. نکته مهمی که درباره اقتصاددان می‌توان موردتوجه قرار داد این است که اقتصاددان می‌تواند به واسطه تسلط خود، در بعضی مسائل منشأ تحولات مهمی شود و اثرات قابل‌توجهی در جامعه بگذارد. مساله‌ای که نمونه‌های تاریخی مهمی دارد. بنابراین باید توجه کرد که هر کسی که دروس اقتصادی را خوانده (چه به شکل آکادمیک یا غیرآکادمیک) اقتصاددان نیست، بلکه اقتصادخوان است.

اقتصاددان کیست؟

سوال مشخص این است که آیا واقعا می‌توان عیاری را برای اقتصاددان مشخص کرد؟ در این خصوص سه نگاه وجود دارد: از نگاه برخی کارشناسان، اقتصاددان کسی است که حداقل اقتصاد خرد و اقتصادسنجی را خوب خوانده و بلد باشد و اگر می‌خواهد در حوزه اقتصاد کلان خوب صحبت کند، باید علاوه بر دو مورد قبلی اقتصاد کلان را هم خوب خوانده باشد. اقتصاددان امروزی، لاجرم باید به مباحث مهم اقتصادی مانند مدل‌سازی ساختاری، طراحی بازار، نظریه بازی و... آشنا باشد. با این تعریف شاید میزان اقتصاددانان، به قدری نباشد که در حال حاضر در رسانه‌ها به آن اطلاق می‌شود.

اما نگاه دومی وجود دارد که هر شخصی که مدرک اقتصادی از هر دانشگاهی دارد، اقتصاددان است. حتی نگاه سومی وجود دارد که معتقد است برای اقتصاددان دانستن افراد، نیاز به مدرک مرتبط نیز نیست. این موضوع باعث اعتراض برخی از اساتید اقتصادی شده، به نحوی که به دنبال مدرک دانشگاهی یا حتی پایان‌نامه برخی از افراد با عنوان «اقتصاددان» بودند.

بنابراین باید مرزی میان اقتصاددان و اقتصادخوان ایجاد شود، اما چرا این مساله، مهم است؟ اگر یک اقتصاددان درباره یک موضوع اقتصادی نظر دهد، آن را با معیارهای علم اقتصاد مورد سنجش قرار می‌دهد و در نتیجه به یک معیار مشخص می‌رسد. همان‌طور که یک پزشک نیز درخصوص یک بیماری با معیاری علم پزشکی صحبت می‌کند. اما زمانی که یک سیاستمدار علاقه‌مند به اقتصاد، درخصوص یک مساله اقتصادی نظر می‌دهد، آن را با دیگر معیارها مورد ارزیابی قرار می‌دهد که در برخی موارد نتیجه متفاوت در پی خواهد داشت.

نقش اقتصاددانان معتبر در تحولات کشورها

در سال‌های اخیر نتایج منفی و خسارت‌های سیاست‌های اقتصادی پیگیری شده توسط دولت‌های وقت، نوک پیکان اتهامات را به سمت اقتصاددانان نشانه گرفته است. دولت با برگزاری یک نشست با جمعی از اقتصاددانان، این تلقی را تقویت می‌کند که اقدامات دولت برخاسته از نظرات کارشناسی این اقتصاددانان است؛ جالب آنجاست که در نشست‌هایی که به عنوان دیدار اقتصاددانان با دولت برگزار می‌شود، افراد صرفاً به ارائه شفاهی مطالب کوتاهی می‌پردازند و طبیعتاً این مطالب کوتاه و گذرا هیچ‌گاه مسوولیتی را متوجه افراد حاضر در جلسه نخواهد کرد. نتیجه منطقی این اقدام آن می‌شود که در پرونده خسارت‌باری همچون تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی همچنان صاحب ایده و افراد تصمیم‌گیر آن مشخص نیستند و معلوم نیست خسارت‌های این سیاست را باید به پای چه کسی نوشت؟ به‌رغم این سوءاستفاده‌ها، باید توجه داشت که اقتصاددانان همچنان قابلیت‌های مهمی در حل و فصل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی در کشور دارند.

مثال‌های تاریخی بسیار زیادی در دسترس است که نشان می‌دهد نقش اقتصاددانان در بزنگاه‌های تاریخی تا چه حد مهم و کلیدی است. برای مثال اصلاحات اقتصادی ترکیه بدون شک مدیون اقدامات اقتصاددانی به نام کمال درویش است و او را می‌توان معمار اقتصادی ترکیه در دو دهه گذشته دانست. کمال درویش، دارای مدرک فوق‌لیسانس، فارغ‌التحصیل از مدرسه اقتصاد لندن و دکترای پرینستون آمریکا در سال ۱۹۷۳، وزیر پیشین دارایی ترکیه و یکی از مقامات ارشد بانک جهانی در حال حاضر است.

یکی دیگر از نمونه‌های قابل‌توجه نقش اقتصاددانان در بهبود شرایط اقتصادی یک کشور به هندوستان باز می‌گردد. نقش فعالانه مانهومان سینک در اصلاحات اقتصادی هند در دهه ۹۰ میلادی نمونه دیگری از اهمیت وجود اقتصاددانان توانمند در بهبود شرایط کشور است. مثال معروف دیگری که در این زمینه وجود دارد به بحران ۲۰۰۸ در ایالات متحده باز می‌گردد؛ جایی که در مواجهه با بحران مالی بزرگی که اقتصاد آمریکا را در رکود فرو برده و اقتصاد جهان را متاثر کرده بود، وجود اقتصاددانی مانند بن برنانکه در راس فدرال رزرو و اتخاذ سیاست تعدیل مقداری، باعث شد فرآیند ریکواری اقتصاد آمریکا تسریع شود. بدون شک وجود اقتصاددانان کارآمد و توانمند در حل و فصل مشکلات اقتصادی کشور غیرقابل انکار خواهد بود و بسیاری از تحولات می‌تواند توسط چنین افرادی آغاز شود.

منبع: دنیای اقتصاد